

## نباید خودزنی کنیم!



دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: گاهی اوقات عدم هماهنگی بین دستگاہی و همچنین نگاه سیاسی در بین نخبگان به حوزه فضای مجازی متفاوت است، یک عده ای قائل به باز بودن و موسع بودن دارند، یک عده ای معتقدند این مدیریت فعلی کافی نیست و باید مدیریت بهتر و بیشتری روی این فضا انجام شود؛ این دو نگاه در تعارض همدیگر، گاهی اوقات باعث می شود که مدیریت یکپارچه ای در کشور شکل نگیرد و گاهی اوقات هم در این فضایی تقابل فکری، اخبار نادرست و بعضی محتوای عاطفی شده نشر پیدا کند که این کار یعنی احساسات جوانان را تحریک و آنها را به صحنه می آوردیم و آنگاه اموری اتفاق می افتد که خوشایند نیست.

به گزارش ایسنا، یکی از مهم ترین اتفاقات امروز جهان اسلام موضوع غزه و مردم فلسطین است که پس از عملیات طوفان الاقصی و وعده صادق و شکسته شدن هیبت پوشالی رژیم صهیونیستی ابعاد تازه تری را هم به خود گرفته است. در این میان نه تنها مسلمانان جهان بلکه تمام مردم دنیا نسبت به این رژیم جعلی و اقداماتش معترض هستند و عرصه برای نتانیاهو و شهرک نشین ها بسیار تنگ شده است. از این رو برای بررسی بیشتر سیاست های رژیم صهیونیستی و چگونگی واکنش مسلمانان جهان نسبت به غزه و اهمیت موضوع

رسانه در این میان و بهره‌برداری درست از فضای مجازی به نفع جبهه مقاومت با حجت‌الاسلام والمسلمین حمید شهرباری\_دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی\_ به گفت‌وگو نشسته‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

– ما در حال حاضر در وسط یک رویداد جهانی هستیم که اتفاقات عجیب و غریبی در دنیا دارد رقم می‌زند، از یک سو بحث اعتراضات دانشجویی آمریکایی، آلمانی و فرانسوی و کشورهای دیگر اروپایی را شاهد بودیم به موضوع غزه و وحشی‌گری اسرائیل چه در سطح دانشجویی و نخبگانی و چه در سطح سران واکنش نشان می‌دهند و این اتفاقات عجیب و غریبی است که دارد رخ می‌دهد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که این اتفاقات مقدمه‌ای برای نگاه به اسلام و کشورهای اسلامی به ویژه محور مقاومت شده است. در این شرایط برای تسری دادن نگاه جمهوری اسلامی به نگاه وحدت‌آفرین چگونه باید اقدام کرد و آیا ما اساساً در این زمینه کاری کرده‌ایم یا فعلاً قبل از برنامه‌ریزی هستیم و خودمان داریم صحنه را می‌بینیم که چه اتفاقی دارد می‌افتد؟

واقعیت این است که دانشجوی و دانشجویی همیشه دو ویژگی و مزیت دارد که او را از کف اجتماع و مردم عامه متمایز می‌کند، یکی حقیقت‌جویی در غایت خودش است و دیگری آرمان‌خواهی است، بحث حقیقت‌جویی در دنیای استکباری امروز و دنیای غرب، نوعی پوچی حاکم شده است، به دلیل نگاه سکولار آنها تقریباً به غایت مطالبات باخت‌خودشان رسیدند و هیچ نوع حقیقتی را در زندگی خودشان نمی‌بینند که بخواهند دنبال کنند، به همین جهت وقتی که می‌بینند ظلمی دارد اتفاق می‌افتد و کسی پرچم عدالت‌خواهی را در دنیا برداشته، به خاطر آن روحیه حقیقت‌جویی‌ای که دارند دور او جمع می‌شوند.

علاوه بر آن امروز یک آرمان‌های جدیدی با سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی که سیاست مقاومتی در برابر استکبار جهانی بوده، به آرمان تبدیل شده که براساس آن کسانی که ظالم هستند و بر ظاهر عالم سیطره دارند، باید در مقابل آنها مقاومت و ایستادگی کرد و نشان داد ما هنوز هستیم، این آرمان که می‌شود در مقابل یک کمیتی که در اقتصاد و فرهنگ و ظاهر فرهنگی و نظامی دنیا از نظر عددی و کمی برتر است ولی در عین حال نمی‌تواند نیروی مقاوم را شکست بدهد. نیروی مقاوم همچنان آثار خودش را دارد و تاثیر می‌گذارد و برای عالم الگو می‌شود، این یک آرمان‌خواهی است که امروز از صحنه کشور ما و به جبهه مقاومت توسعه پیدا کرده و طی ۹-۸ ماه اخیر از صحنه مقاومت جهانی به کل دنیا سرایت کرده است و این آرمان‌خواهی را برای همه به وجود آورده، بخصوص دانشجویان و دانشجویان این روحیه آرمان‌خواهی را دارند و به صورت طبیعی به این سمت میل پیدا کردند.

پیش‌بینی‌ای که ما در صحنه آینده داریم این است که این آرمان‌خواهی و این حقیقت‌جویی در صورتی که مقاومت به مسیر خودش ادامه بدهد و همچنان آرمان‌های خودش را دنبال کند، آرمان‌جدیدی را برای دنیای غرب فراهم خواهد آورد و تمامی عدالت‌خواهان، حقیقت‌جویان و آرمان‌گرایان به سمت او میل پیدا خواهند کرد.

ممکن است استکبار جهانی دوباره چیزی شبیه داعش بازتولید کند

– در بحث‌هایی که در فضای مجازی اتفاق می‌افتد یکی به خوبی گفته بود این چیزی که الان دارد در صحنه جهانی اتفاق می‌افتد آن بذری است که امام خمینی (ره) در دهه‌های قبل راجع به مقاومت و بحث فلسطین کاشته بودند؛ اما کشورهای الان دارند تلاش می‌کنند که محور این مقاومت و مدیریت این محور مقاومت را به دست بگیرند؛ ترکیه، عربستان و به ویژه ترکیه در مواقع مختلف خصوصاً در این ۶ ماه تلاش زیادی کرده که خودش را ظلم‌ستیز و عدالت‌محور در حوزه مساله فلسطین معرفی کند و به نظر می‌رسد در جاهایی ما یک مقدار به دلیل فشارهای بین‌المللی، کمی در این صحنه‌ها پا پس کشیدیم. این صحنه را چطور می‌بینید؟

واقعیتش ما تاثیرات بسیار گسترده‌ای در جهان اسلام و حتی دنیا به خصوص امروز با حرکت‌های دانشجویی و دانشگاهی در صحنه جهان غرب گذاشته‌ایم و این آرمان‌خواهی را به افکار جهانی توسعه داده و عدالت‌خواهی را به عنوان یک محور در مقابل استکبار جهانی ع‌لم کرده‌ایم به طوری که خیلی از عدالت‌خواهان، حقیقت‌جویان و آرمان‌گرایان، ذیل این ع‌لم جمع شدند، در عین حال ما اگر اهل تدبیر نباشیم، اهل بهره‌برداری از فرصت‌هایی که الان در میدان ایجاد شده، نباشیم و احیاناً غفلتی شکل بدهیم، این احتمال وجود دارد که آن صحنه‌ای که برای ما ایجاد شده، توسط دیگران بهره‌برداری شود، همیشه دشمنان ما ساکت نشستند و در مقابل حرکت‌های ایجادشده، یک ضدعملیاتی را انجام دادند و ضدتفکری را تولید کردند، ما این را در صحنه بیداری اسلامی در کشورهای عربی مشاهده کردیم.

علیرغم اینکه تفکر امام و تفکر انقلاب اسلامی موجب بیداری اسلامی شد ولی در نهایت آن بهره‌برداری که شایسته بود از این صحنه انجام نشد. طبیعتاً دشمنان ما بیکار نمی‌نشینند، وقتی توفیقات ما را می‌بینند، سعی می‌کنند نقشه‌هایی علیه آن طراحی بکنند. به نظرم یکی از نقشه‌هایی که طراحی شده ایجاد شقاق و اختلاف در جهان اسلام است، مسلماً استکبار جهانی الان به این سمت و سو می‌رود که

کشورهای پیشروی اسلامی در صحنه‌های مختلف را به ضدمقاومت تبدیل کند حالا یا به صورت علنی یا به صورت غیرعلنی و مخفیانه و حرکت‌هایی را شکل بدهد که موجب شود که صحنه مقاومت با یک بحران جدید یا با یک مشکل جدید مواجه شود.

ما در حال جنگ هستیم و جنگ در صحنه‌های مختلف روال‌های مختلفی را پیش روی ما می‌گذارد، ما باید تلاش بکنیم که هوشمندانه از صحنه موجود استفاده بکنیم و این احتمال است که در صحنه جهانی یک نقشه جدیدی به روی میز بیاید، مثل آنچه که در دوره داعش اتفاق افتاد که دوباره جهان اسلام را درگیر بکند و مشکلاتی را برای ما پدید بیاورد. به نظر می‌رسد که آن چیزی که در آینده در مقابل تفکر مقاومت می‌تواند شکل بگیرد تفکر نظام لیبرالی است که در صحنه جهان غرب به عنوان یک آرمان مطرح شده و پیگیری می‌شود و ما باید هوشمندانه با این خط فکری مقابله بکنیم.

– ما در حال حاضر در یک جنگی هستیم که دارد اتفاق می‌افتد و بخشی از آن حوزه نظامی است که می‌بینیم روزانه در غزه و جاهای مختلف اتفاق افتاده است، بخش زیادی از این جنگ در حوزه رسانه و در حوزه فرهنگی است که با آن روبرو هستیم، اما ما در طول سال‌های گذشته آنقدری که به حوزه نظامی اهمیت دادیم که به درستی بوده و باید در مقابل تهدیدها مقاوم می‌شدیم اما آنقدر حوزه رسانه و حوزه فرهنگی را جدی نگرفته‌ایم، یا جدی گرفتیم و ابزار آن را نداشتیم. درست است؟

آنچه که در کشورهای مختلف وجود دارد مثلاً قطر و ترکیه یک رسانه قوی دارند، ترکیه تولید محصولات فرهنگی دارد، کشورهای اسلامی دیگر مثل مالزی و امثالهم دانشگاه‌های آنچنانی دارند، در این صحنه به نظر می‌رسد که جای ما خالیست، همین صحنه‌ای که می‌گوییم باعث بیداری دانشجویان خارجی شده و جمهوری اسلامی هم راه آن را باز کرده و کارهایی در حوزه آن انجام داده است؛ اگر در حوزه فرهنگی کاری نکند این قابلیت را دارد که تمام عرصه را به کشورهایی که حوزه فرهنگ و رسانه دست آنها است واگذار کند.



فکر نمی‌کنید که حداقل در چندین ماه گذشته که بحث جنگ غزه شروع شده، یک مقدار در حوزه رسانه ضعیف عمل کرده‌ایم و بیشتر می‌توانستیم کشورهای اسلامی را در کنار دیپلماسی وزارت امور خارجه که دارد کارهای مهمی انجام می‌دهد، کنار هم جمع کنیم؟

ما در میانه این ۶ ماهی که عملیات طوفان الاقصی شروع شد، بلافاصله متوجه شدیم که باید در صحنه رسانه فعالیت جدی شکل بدهیم و به همین جهت حدود ۶۰ نفر از برجستگان جهان اسلام را دعوت کردیم و این به اولین کنفرانس بین‌المللی طوفان الاقصی در کشور منجر شد که توفیقات گسترده‌ای داشت و در صحنه جهانی هم بروز و نمود پیدا کرد.

نکته دوم این است که همیشه استکبار جهانی که دارای رسانه‌های گسترده و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ روی رسانه‌ها است، همچنان دارد سرمایه‌گذاری می‌کند، همانطور که در حوزه سخت مسائل نظامی را دارد جلو برده و توسعه می‌دهد، در حوزه نرم هم فضای رسانه، فضای مجازی و ابزارهای نرم خودش را به حد غایت به کار گرفته و همچنان دارد به کار می‌گیرد و هر از چندی در صحنه رسانه برای ما تلاش گسترده‌ای می‌کند که با این مسائل جزئی افکار جهانی را از محور مقاومت به سمت آن مسائل فرعی منحرف بکند که

یک شخص مجهولی را یکدفعه اسمش را برجسته می‌کند یا یک شخص غیرمشهوری را که مربوط به سال‌های گذشته بوده یکدفعه وارد رسانه می‌کند و اتهاماتی را وارد کرده و سعی می‌کند افکار عمومی منحرف شود.

اتفاقی که در این جریان می‌افتد این است که استکبار جهانی سرمایه‌گذاری گسترده‌ای روی حوزه رسانه انجام می‌دهد و در عین حال تلاش می‌کند تا ما را در حوزه سرمایه‌گذاری و رسانه دچار انفعال کند. مثلاً اخیراً در مورد بودجه؛ مجموعه دستگاه‌های فرهنگی ما با هم جمع شدند و یک عددی را ارائه کردند و گفتند دستگاه‌های فرهنگی اینقدر خرج کردند، درحالی که شما با خرج‌هایی که آنها در صحنه می‌کنند، اصلاً این اعداد قابل قیاس با خرج‌هایی که آنها در مقابله با محور مقاومت می‌کنند، نیست. ما باید همچنان به مسیری که رفتیم ادامه بدهیم، ما نباید از این حملات مذبوحانه آنها در حوزه رسانه دچار انفعال بشویم و احیاً تا خودزنی کنیم و منجر به این شویم که سرمایه‌گذاری در این حوزه کاهش پیدا کند، بلکه برعکس ما که اصحاب رسانه هستیم باید این تنبه را به مدیران ارشد در نظام جمهوری اسلامی و در محور مقاومت بدهیم که حتی سرمایه‌گذاری موجود کافی نیست برای اینکه ما در صحنه جنگ نرم بتوانیم مقابله کنیم و باید هر روز متناسب با نقشه‌های دشمن در حوزه رسانه هم سرمایه‌گذاری گسترده‌ای را شکل بدهیم.

«فرد رسانه‌ها» با حضور خودشان در صحنه جهانی خط سیر رسانه را تغییر می‌دهند

– طبقه نخبگانی ما که به وحشی‌گری‌های صهیونیستی در غزه معترض است در حال حاضر این آمادگی را دارد که خوراکی که بتواند راجع به غزه، اسلام، عدالت‌خواهی و مسائل مرتبط با آن باشد را دریافت کند اما تنها خوراکی که دارد در طبقه نخبگانی می‌چرخد از یک رسانه‌ای به نام الجزیره است که متعلق به یکی از کشورهای اسلامی است و سرمایه‌گذاری عجیب و غریبی روی آن انجام شده و بعید می‌دانم سرمایه‌گذاری‌ای که روی آن انجام شده، روی کل دستگاه‌های فرهنگی ما انجام شده باشد. به نظر شما طبق چیزی که گفتید، اگر قرار است مثلاً دانشجویان غربی ضداسرائیلی جذب شوند یا حتی نگاهی به کشورهای اسلامی داشته باشند، با ابزار فعلی ممکن است؟ یا مانند خیلی از موارد فرهنگی دیگر، بعداً باید حسرت بهره‌برداری کشورهای اسلامی دیگر را بخوریم؟

در رابطه با خبرگزاری‌های مثل الجزیره شما باید توجه داشته باشید، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای روی این شبکه‌ها انجام شده است که گاهی یک نوع از ادبیاتی را تولید می‌کند که این ادبیات متناسب با حاکمیت جهان عرب در فضای تمدنی فعلی است. اما در مقابل این؛ دو تا مولفه دیگر است که به نظر من

توفیق خوبی داشته و ما باید به این توفیقات توجه کنیم و سرمایه‌گذاری خودمان را در این مولفه‌ها بیشتر کنیم، یکی این است که شبکه‌های مثل العالم و برون‌مرزی ما امروز مخاطب پیدا کردند یعنی یک نوع روایتی را از صحنه تمدنی دارند عرضه می‌کنند که این شما را در الجزیره و بی‌بی‌سی فارسی و است جذاب همه برای ولی است همه قبول مورد گویم نمی، است جذاب ادبیات این و بینید نمی آمریکا VOA و مایل هستند که ببینند که آن ادبیاتی که در وقایع روزانه این خبرگزاری یا این نوع روایت دارد می‌گوید این روایت چیست؟. خیلی‌ها دلشان می‌خواهد این روایت را بشنوند و من فکر می‌کنم ما توفیق گسترده‌ای در اینکه مخاطب گسترده‌ای برای شبکه العالم عربی و متناسب با زبان‌های دیگر داشتیم پیدا کرده‌ایم. باید سرمایه‌گذاری خودمان را توسعه و رشد بدهیم تا مخاطبان را حفظ کنیم.

نکته دوم این است که امروز اصولاً روایت در صحنه جهانی صرفاً توسط خبرگزاری‌هایی معتبر نامدار شکل نمی‌گیرد، ما امروز به دلیل توسعه فضای مجازی شاهد رشد «فرد رسانه‌ها» در صحنه جنگ نرم هستیم، یعنی یکسری افرادی هستند که خودشان به تنهایی یک رسانه هستند حالا یا به دلیل اینکه افراد تاثیرگذار هستند یا به دلیل اینکه خیلی‌ها از مردم عمومی دنباله‌رو آنها هستند و از آنها حمایت می‌کنند، اخبار آنها را پیگیری می‌کنند، یکدفعه می‌بینید این فرد رسانه‌ها با حضور خودشان در صحنه جهانی خط سیر رسانه را تغییر می‌دهند، آن چیزی که ممکن است رسانه‌های رسمی نتوانند بروز بدهند یا نخواهند بروز بدهند، این فرد رسانه‌ها بروز می‌دهند و توسعه شبکه‌وار این فرد رسانه‌ها باعث می‌شود که آن اخبار در صحنه جهانی گسترش پیدا کند، شاید خیلی از آمریکایی‌ها و خبرگزاری‌های آمریکایی‌ها مایل نباشند که مثلاً خیلی از صحنه‌هایی که در دانشگاه‌های غرب اتفاق افتاد، دست به دست بچرخد یا اتفاقاتی که در غزه افتاده، خیلی از رسانه‌های غربی تمایل به انتشار آنها ندارند ولی فرد رسانه‌ها موبایل دست‌شان است و اینها را به خبر تبدیل می‌کنند و خبرها به صورت شبکه‌ای توزیع گسترده پیدا می‌کند و همان نقشی را پیدا می‌کند که یک خبرگزاری رسمی دارد ایفا می‌کند.

– امروز داریم می‌بینیم که «فرد رسانه» حتی یک رسانه رسمی را مجبور می‌کند که روی جریان او حرکت کند.

بله تبعیت می‌کنند و شما می‌بینید آن چیزی که فرد رسانه ارسال کرده، پخش‌های مکرر الجزیره یا العالم می‌شود یا حتی پخش‌های مکرر بی‌بی‌سی و شبکه‌های استخبار جهانی. دلیلش این است که اگر این کار را نکنند عقب می‌افتند و فرد رسانه‌ها امروز به یک قواره‌ای از مقبولیت و تبعیت رسیدند که

رسانه‌های رسمی را تحت فشار قرار دادند و این چیزی است که به نظرم آینده نویدبخش جنگ نرم در آینده خواهد بود، چون فردرسانه‌ها دیگر قابل کنترل توسط سرمایه‌گذاران جهانی نخواهد بود، چون پول خبرگزاری‌های رسمی از جایی می‌آید و مجبورند تابع قوانین و مقررات آنها باشند اما فردرسانه‌ها از کسی پولی نمی‌گیرند که بخواهند تابع او باشند. به صورت طبیعی آن افکار فطری عالم مقاومت، توسعه پیدا خواهد کرد.



به دنبال ایجاد اتحادیه کشورهای اسلامی هستیم

– ما کنفرانس وحدت اسلامی را ۳۷ دوره داشتیم و ۳۸مین دوره آن هم در پیش است و صحنه جهانی هم الان صحنه متفاوتی است و اولین کنفرانس غزه را هم برگزار کرده‌ایم، آن چیزی که به نظر می‌تواند محور اصلی کنفرانس وحدت اسلامی برای دوره سی و هشتم باشد اتفاقاتی است که دارد در دنیا می‌افتد و موجب بیداری بیشتر ملت‌های مختلف می‌شود. علیرغم اینکه ممکن است حکام آنها خیلی علاقمند به این موضوع نباشند. آیا برای کنفرانس سی و هشتم برنامه‌ای چیده شده که از این فضا بشود استفاده کرد و محوری در این زمینه دارید؟

کنفرانس وحدت یک موضوع عام سالانه دارد که همان وحدت جهان اسلام است و ما طی دو سال بعد از کرونا



موضوعاتی که می‌توانست در صحنه جهانی مطرح شود را طراحی کردیم، به نظر ما، ما می‌توانیم یک آرمانی را در صحنه جهانی معرفی کنیم که این آرمان بتواند با تولید ادبیات جدید و مشترک خواهان خودش را داشته باشد، براساس این آرمان یک مفهومی را به نام اتحادیه کشورهای اسلامی تولید کردیم، یعنی گفتیم همانطور که در صحنه جهانی اتحاد جماهیر شوروی داشتیم، ایالت متحده آمریکا داشتیم و بعد هم اتحادیه اروپا در تاریخ داشتیم و ما در تاریخ درس بگیریم و در حوزه‌های توفیق آن یک الگوسازی اسلامی بکنیم، بومی‌سازی بکنیم و یک اتحادیه‌ای به نام اتحادیه کشورهای اسلامی تعریف بکنیم که تحت آن همه کشورهای اسلامی بتوانند در یک اتحادیه اهداف امنیتی، فرهنگی و اقتصادی خودشان را دنبال کنند. این ادبیات را تولید کردیم و محور گفتمان کنفرانس‌های وحدت قرار دادیم و تقریباً دو سال است.

امروز که ما در صحنه مقاومت مشاهده می‌کنیم که یک ادبیات جدید عدالت‌خواهی در جهان شکل گرفته و ظلم‌ستیزی به یک مرحله‌ای رسیده که جهانی شده و از صحنه کشورهای اسلامی و محور مقاومت گذر کرده و به صحنه‌های عام جهانی رسیده و دارد تمدن‌سازی می‌کند.



– یک نکته ای که راجع به کنفرانس های وحدت اسلامی گفته می شود این است که معمولاً در زمان کنفرانس و کمی قبل تر از آن ارتباط کشورها در این حوزه و نهادهای دانشگاهی بیشتر می شود و بعد از آن کنفرانس تا حد زیادی ارتباطات کاهش پیدا می کند، این ایده اتحادیه، سازمان یا هر چیزی اسم آن را بگذاریم، می تواند باعث شود که این خلا جبران شود؟

در صحنه های مختلف دیپلماسی عمومی و دیپلماسی علمایی باید حرکت های متکثری و متنوعی شکل بگیرد تا این ایده جهانی شود. اینکه ما صرفاً توقع داشته باشیم که با یک کنفرانس سالانه یک هفته ای بتوانیم این ایده را توسعه بدهیم، این نیست و برنامه ریزی ما هم صرفاً این نیست که در کنفرانس فقط بخواهیم این ایده را توسعه بدهیم. گفتمان های علمایی دو به دو، سه به سه و همینطور حضور در صحنه های یک کشور خاص با همین موضوع و داشتن کنفرانس های منطقه ای که ما الان داریم آن را دنبال می کنیم که در هر منطقه ای سالانه دو الی سه کنفرانس منطقه ای خارجی و دو الی سه کنفرانس منطقه ای داخلی انجام می دهیم. دو سال است در داخل کشور کنفرانس سنندج، ارومیه، گلستان و گرگان را داشتیم و همینطور در صحنه جهانی در عراق و در مالزی هم کنفرانس های منطقه ای را دنبال می کنیم و امسال دو کنفرانس را در داخل و خارج دنبال می کنیم که یکی در عراق پیگیری خواهد شد و بعدی هم در اندونزی در حال طراحی است.

ما باید شروع کنیم این گفتمان را توسعه بدهیم، الان فرصت خیلی خوبی به دلیل توفیقات نظامی که حاصل شده و همینطور نزدیک شدن فضای فکری عالم اسلام به همدیگر پیش آمده است، قبلاً ما با سعودی ها و با ترک ها در تعارض بودیم اما امروز یک محوری پیدا کردیم که آن محور گفتمان مشترک ما را دارد شکل می دهد، مراوداتی که الان بین ما و کشور سعودی شکل گرفته، بسیار در جهان اسلام موثر بوده، از نظریاتی که ما ارائه می دهیم استقبال می شود و آن تقابل از بین رفته و به نوعی ما فضا پیدا کردیم و این فضا اجازه می دهد گفتمان خودمان را در جهان اسلام توسعه بدهیم. این باید در صحنه های دیپلماسی عمومی و علمایی پیگیری شود و ما هم بخشی از صحنه را در اختیار داریم. طبیعتاً دستگاه های متعددی هستند که صحنه جهانی و ملی را در اختیار دارند و آنها هم باید مساعدت کنند تا بتوانیم گام های بیشتری را رو به جلو برداریم.

در برقراری ارتباط با مصر دیپلماسی عمومی به دیپلماسی علمایی فشار می آورد

ارتباط با عربستان و صحنه‌ای که برای ما و دیپلماسی عمومی باز شده و اتفاقات آن روی جهان اسلام بسیار مهم است، اما در مورد مصر هم به نظر می‌رسد اتفاقاتی دارد می‌افتد. بعضی‌ها معتقدند عدم حضور مصر در کنفرانس وحدت اسلامی موضوع مهمی است و با توجه به دیپلماسی وزارت امور خارجه گشایش‌هایی در حوزه سیاسی دارد رخ می‌دهد. راجع به حضور مصر در کنفرانس وحدت اسلامی تا حالا کاری شده که به جمع کشورهای عضو و حاضر بپیوندند؟

نگاه ما به مصر صرفاً حضور در کنفرانس وحدت نیست، از نظر ما مصر دارای یک تاریخ تمدنی ملی و یک تاریخ تمدنی اسلامی است که باید به طور خاص به آن توجه شود و از نگاه ما در هر دو صحنه یک فرصت استثنایی برای تمدن نوین آینده جهانی، بخشی از آن در مصر شکل گرفته و شکل خواهد گرفت، بنا بر این نگاه ما فقط به اینکه در یک کنفرانسی مصری‌ها بیایند یا نیایند، نیست، به نظر ما یک بخشی و انشعابی از تمدن اسلام که انشعاب بزرگی هم در این رودخانه تمدنی است، در طول تاریخ در مصر شکل گرفته و همین امر می‌تواند در آینده اثرگذار باشد.

در عین حال استکبار جهانی چون این نقش را شناسایی کرده، موانع گسترده‌ای را برای اینکه مصر به جرگه انبوه و انباشته مقاومت ورود کند، شکل داده تا این اتفاق نیافتد. نکته قابل توجه آن است که علاوه بر صحنه سیاسی که روی ماجرا است، یک صحنه زیرین هم وجود دارد و صحنه‌ای است که بین علما و ارتباطات علمایی وجود دارد و این به شدت در حال رشد و گسترش است. زمانی الازهر شاید مثلاً تقابل جدی با تفکر اسلام مقاوم و شیعی داشت اما آقای احمد الطیب رئیس الازهر سفری را به کشور عراق و ملاقات با آیت‌الله سیستانی داشت. این اتفاق بسیار مهمی است که اتفاق می‌افتد. به دلیل موانع سیاسی که من عرض کردم ممکن است آقای احمد الطیب نتواند به ایران بیاید ولی این حرکت نشان می‌دهد که آن حرکت زیرین اجتماعی که هم در صحنه دیپلماسی علمایی و هم در صحنه دیپلماسی عمومی است، در حال رشد و گسترش است. به نظر ما دیپلماسی عمومی به دیپلماسی علمایی فشار می‌آورد و این دو تا به دیپلماسی سیاسی فشار می‌آورد که امروز هم سعی کنند حرکاتشان را تعدیل کنند و ما رفته رفته به زودی شاهد این خواهیم بود و پیش‌بینی من این است که اگر ما حرکت مقاومت را به همین سیر اگر خدا توفیق بدهد جلو برویم، در صحنه سیاسی هم در ب‌ها گشوده خواهد شد و انشاءاً ارتباطات با مصر هم با جهان شیعی و هم با ایران اسلامی توسعه پیدا خواهد کرد.



«احمد شیخ [احمد الخلیلی] مهمان ویژه 38امین کنفرانس جهانی اسلام»

– در حوزه کنفرانس‌های منطقه‌ای در آستانه سی‌وهشتمین دوره آیا این دوره مهمان ویژه‌ای دارد؟

بله جناب آقای: «احمد شیخ [احمد الخلیلی]» که مفتی اعظم عمان و یکی از شخصیت‌های برجسته جهان اسلام است، از ایشان تجلیل خواهیم کرد و به عنوان مهمان ویژه دعوت خواهند شد، البته وضعیت جسمانی و سلامت ایشان طوری است که دکترها به او اجازه مسافرت نمی‌دهند و ایشان عملاً جای سفر نمی‌کنند ولی ما این را در دستور کارمان داریم که به عنوان مهمان ویژه اگر خودشان می‌توانند حضور پیدا کنند، در غیر این صورت یک نماینده از طرف ایشان خواهد آمد و ما آیین بزرگداشت این شخصیت برجسته اسلامی که مواضع بسیار مناسبی در قبال مقاومت و مواضع ضداسرائیلی طی سنوات اخیر داشته‌اند، را برگزار خواهیم کرد.

تفاوت رسانه‌های ما با غرب در حقیقت گویی است

- در حوزه انسان و رسانه‌ها فرمودید این انسان و رسانه‌ها الان توانستند حاکمیت‌ها و رسانه‌های بزرگ بین‌المللی با سرمایه‌گذاری‌های عظیم را در صحنه جهانی تحت تاثیر قرار بدهند. نکته دیگر هم این است که ما در ماه‌های گذشته از فضای مجازی توانستیم استفاده کنیم برای آن چیزی که از آن به عنوان صادر کردن انقلاب اسلامی در طول چند دهه گذشته صحبت می‌کردیم. در عین حال ما سیاست‌های متفاوتی را نسبت به فضای مجازی گاهی اتخاذ می‌کنیم، چیزی که برعکس آن را در این ۶ ماه استفاده کردیم! این انسان‌رسانه‌ها اگر قرار بود فقط در بسترهایی که فراهم شده فعالیت کنند، هیچ وقت نمی‌توانستیم توفیقی پیدا کنیم. فکر می‌کنید با این شرایط، بهتر نیست یک مقدار فضا را به سمت بازتر شدن ببریم که بتوانیم تاثیرگذار باشیم و حداقل اینجا از رسانه‌های جهانی عقب نیافتیم؟

اصولاً نگاه شما را با این توضیحاتی که دادید قبول ندارم، منتها این توضیحش هم وقت و هم یکسری اطلاعات می‌خواهد؛ به نظرم ما در صحنه رسانه‌ها توفیق پیدا کردیم علتش این نبوده که سرمایه‌گذاری ما بهتر بوده یا ابزارهای تکنیکی ما بهتر بوده یا بهتر خبر تولید می‌کنیم یا صورت را بهتر می‌شناسیم، نه ما یک مزیتی داریم که رسانه‌های عالم آن مزیت را ندارد و آن مزیت حقیقت بودن محتوای ماست که عالم تشنه این حقیقت است. این مزیت باعث شده علیرغم اینکه در همه مولفه‌های رسانه عقب هستیم ولی در عین حال در منظر جهانی عقب نباشیم.

نکته دوم این است که ما یکسری حساسیت‌های غیرواقعی راجع به فضای مجازی برای جوان‌ها و بعضی از اقشار ایجاد کردیم که این حساسیت غیرواقعی به خودش می‌دمد و یک طبل صدا داری شده که واقعاً وقتی داخلش می‌شوید می‌بینید که یک امر واقعی و حقیقی در پس آن به آن صورت نهفته نیست؛ ما در صحنه فضای مجازی خوب رشد کردیم، خوب توسعه پیدا کردیم و طبیعتاً از این ناحیه ضرباتی هم خوردیم و توفیقات ما کمتر از تهدیداتی بوده که این حوزه ما را تهدید کرده است، توفیقات ما کمتر از آن چیزی بوده که از این حوزه توقع است که ما در آن پیشرفت کنیم، این نکته از صحبت شما را قبول دارم که ما نمی‌توانستیم بیشتر و بهتر کار کنیم ولی اینکه ما در این فضا خیلی عقب هستیم و مشکلات داریم و باید طور دیگری عمل کنیم، در بخشی قابل قبول است و در بخش دیگری قابل قبول نیست و به نظرم این احتیاج به یک گفت‌وگوی مستقل دارد که ما یک مقداری ریزتر به برخی از مولفه‌های آن بپردازیم و یک امر کلی نیست که ما بگوییم رشد کردیم یا نکردیم؟

البته ما در ابتدای امر عقب‌افتادگی جدی داشتیم و هنوز هم داریم و نتوانستیم مدیریت محتوا و مدیریت صحنه را به عهده بگیریم، بعضی جاها در مدیریت صحنه شکست خوردیم ولی بعد خودمان را بازیابی کردیم و به نظرم امروز صحنه فضای مجازی کاملاً در اختیار حاکمیت می‌تواند مدیریت شود، اما بعضی

جاها نمی‌شود که به دلیل عدم هماهنگی بین دستگاهی است.



**ISNA PHOTO**  
Amirabbas Ghasemi

در کشور نگاه سیاسی و فرهنگی بر فضای مجازی حاکم است.

– به نظر شما فضای مجازی با این شرایطی که امروز برای آن پیش آمده قابلیت کنترل و مدیریت را دارد؟

ما الان داریم مدیریت می‌کنیم، من به شما خبر می‌دهم که کاملاً داریم فضا را مدیریت می‌کنیم منتها گاهی اوقات عدم هماهنگی بین دستگاهی است، همچنین نگاه سیاسی در بین نخبگان به این حوزه متفاوت است، یعنی ما دو نوع فکر در این فضا در داخل کشور داریم، یک عده‌ای قائل به باز بودن و موسع بودن دارند، یک عده‌ای معتقدند این مدیریت فعلی کافی نیست و باید مدیریت بهتر و بیشتری روی این فضا انجام شود؛ این دو نگاه در تعارض همدیگر، گاهی اوقات باعث می‌شود که مدیریت یکپارچه‌ای در کشور شکل نگیرد و گاهی اوقات هم در این فضای تقابل فکری، اخبار نادرست و بعضی محتواهای عاطفی‌شده نشر پیدا کند که این کار یعنی احساسات جوانان را تحریک و آنها را به صحنه می‌آوریم و آنگاه اموری اتفاق می‌افتد که خوشایند نیست.

ولی به نظرم ما خوب مدیریت می‌کنیم و رو به رشد هستیم به خصوص در دولت سیزدهم این فضا کاملاً در اختیار مدیریتی ما قرار گرفت ولی همچنان نقایصی داریم که باید به آن نقایص در گفت‌وگوی دیگری پرداخته شود که یکی عدم سرمایه‌گذاری مناسب است.

همچنین عدم اجماع نخبگانی بر کیفیت مدیریت هم مزیت بر علت است، یعنی ما در دو طرف طیف دو نگاه کاملاً متعارض داریم و این نمی‌گذارد که ما آن راه میانه را پیش بگیریم.